



باز خوانی دیدگاه‌های مارحوم حسن شایانفر در باره نفوذ فرهنگی

التقاط دینی و تلاش معاندان

رساله‌های امپریالیسم جهانی با تردستی فوق العاده ای نام عبدالکریم سروش را به عنوان یک متفکر معترض که ظاهراً در جهت انسانی جهت چهره نظام اسلامی تلاش می کند، مطرح ساخته، اما در حقیقت از او به عنوان یک «میانچی» در جهت مسخ هویت و ارزشهای اسلامی بهره برداری می کنند و می کوشند تا از این رهگذر به اهداف شوم خود نایل آیند. شکی نیست که جریان جهانی سلطه برای دستیابی به این اهداف از هیچ تلاشی رو گردان نیست واز هرگونه سرمایه گذاری مالی و تبلیغاتی که لازم بداند، دریغ نخواهد کرد. چندی پیش «شورای روابط خارجی امریکا» با کمک «بنیاد فورد»^(۱) کتابی را انتشار داده است که موضوع آن مشخصاً ازپه نظرات عبدالکریم سروش در زمینه تجدیدنظر در ایدئولوژی دینی وپایه های حکومت مذهبی است. در کتاب منتشر شده از سوی این شورای رسمی که وظیفه تعیین مسیر سیاست خارجی دولت امریکا در راستای منافع این کشور را از طریق مطالعات و تحقیقات بین المللی برعهده دارد، با اشاره به تعرضات سروش نسبت به اصل قانونی «ولایت فقیه» از وی و امثال او به عنوان جزئی ازیک حرکت برای قطعه قطعه کردن اقتدار مذهبی نام برده شده و چنین آمده است: «این نظریه سرووش که ایدئولوژی به تحریف ارزش‌های مذهبی منتهی می شود، ساختار حاکم برایران را زیرسؤال برده است.»

این کتاب که «فکرا سیاسی عبدالکریم سروش» نام دارد، از محل بودجه

» این کتاب که «فکرا سیاسی عبدالکریم سروش» نام دارد، از محل بودجه شش میلیون دلاری اداره مطالعات «شورای روابط خارجی امریکا» و برای استفاده راهبردی در تصمیم گیری های سیاست خارجی این کشور چاپ ومنتشر شده است.

شش میلیون دلاری اداره مطالعات «شورای روابط خارجی امریکا» برای استفاده راهبردی درتصمیم گیری های سیاست خارجی این کشور چاپ ومنتشر شده است.^(۲)

بدین ترتیب، طرح ایجاد یک جریان رفرمیسم دینی، با استقبال بخشی از عناصرشکست خورده سیاسی در سالهای ۱۳۶۰ که به خارج کشور فرار انده و برخی روشنفکران در داخل کشور مواجه می شود، مهم ترین اقدام در جهت رفرم دینی، ترویج تژ «اسلام منهای سیاست و روحانیت» است. ترویج تفکر رفرمیسم و تجددطلبی در برخی نشریات داخلی، نمود بسطیر محسوس یافت، به طوری که ماهنامه «کیان» عملداری این تفکر در داخل کشور را برعهده گرفته وبه اشاعه آن پرداخت. نشریه انگلیسی زبان «کونومیست» چاپ خارج از کشور نیز به کارگزاران نظام سلطه جهانی پیشنهاد کرد تا علاوه بر تلاش برای ایجاد اختلاف و تفرقه میان علما و روحانیون، روشنفکران و تجددطلبان اسلامی را تشویق کنند تا با بازنگری و

رفرم در اندیشه های اصولی اسلام، سلاح دشمن شکار اجتهاد را از انحصار علما و مجتهدین خارج نمایند.

نشریه انگلیسی زبان «کونومیست» در همگرایی با عناصر ضدانقلاب، بر لزوم حرکت تدریجی تجددطلبان برای از بین بردن قدرت علما و روحانیون تأکید کرده و می نویسد:

«تحقق چنین امری لزوم لازم دارد. زیرا هیچ تحولی یک شبه به وجود نیامده است. اما باید توجه داشت که هم اکنون نیز تعدادی از روشنفکران مسلمان و آینده نگر شروع به تجدید نظر در تفکرات اسلامی کرده اند.»^(۳)
«التقاط دینی و تلاش معاندان
«التقاط دینی» اصولاً حاصل تلاش جمعی از شبه روشنفکران برای ایجاد رفرم در مبانی و معیارهای دینی است برخی عناصر جریان رفرمیسم دینی در اوضاع و احوال فعلی با طرح افکاری خاص و بیچیده در لایه های اهایم و تناقض، تلاشهایی خودآگاه یا ناخودآگاه به عمل می آورند که در تحلیل

» رسانه های امپریالیسم جهانی با تردستی فوق العادهای نام عبدالکریم سروش را به عنوان یک متفکر معترض که ظاهراً در جهت انسانی کردن کردن چهره نظام اسلامی تلاش می کند، مطرح ساخته، اما در حقیقت از او به عنوان یک «میانچی» در جهت مسخ هویت و ارزشهای اسلامی بهره برداری می کنند.

نهایی با ایجاد شبهه در معرفت دین، پایه های اعتقادی نسل جوان را سست کنند. این جریانی است که روش حرکت تدریجی را برای تحقق اهداف خود برگزیده است. در این روند، حمله به فقه به عنوان اولین مرحله استراتژی استحاله در اسلام، همواره مورد نظر عناصر تجدیدی نظر طلب قرار داشته است. به بخشی از مطالب مندرج در مجله «کیان» که در این زمینه توجه کنید: «... سیستم اجتهاد و تقلید باید به نظام حزبی نزدیک شود و هر حزبی که رأی بیشتر آورد مرجع تقلید خود را به عنوان نماینده حاکمیت تثبیت خواهد کرد... .»^(۴)

«یکی از روشنفکران عضو کنفدراسیون و یکی از طرفداران بنی صدر و عضوسابق «شورای ملی مقاومت» منافقین هم می گوید: «ما در حوزه فرهنگ اسلامی زندگی می کنیم. ولی این به این معنی نیست که حکومت از مذهب باشد. یکی از خواسته های ما ایجاد جریان فرهنگی نوین و مبتنی بر گسترش فرهنگ سیاسی و دموکراتیک است.»^(۵)

۱- برای شناختن نقش بنیادهای فرهنگی در امریکا، رجوع کنید به کتاب «بنیانهای فرهنگی امریکا»، مورخ: ۱۳۷۶.
۲- روزنامه کنترول فرهنگ، نشریه روزانه کیهان، مورخ: ۱۳۷۶/۱۲/۱۳.
۳- نشریه اکونومیست، اوت ۱۹۹۴،په نقل از هویت، مسعود خرم، ص ۴۴
۴- مجله کیان، شماره ۲۰، مورخه تیرمرداد ۱۳۷۲.
۵- مهدی خانیان تهرانی از رهبران کنفدراسیون دانشجوین ایرانی و دشمنار افرادی است که از ابتدای تاسیس این کنفدراسیون تا هنگام فروپاشی آن با این تشکیلات همکاری داشته است و در ابتدای جوانی به حزب توده پیوست. اما در اولین یازدهمت از خود نشان داد و با نوشتن نامهنامه آزاد شد. در اواسط دهه ۱۳۲۰ زمانی که ساواک به فعالیت های پرون مرزی معاندان رژیم پهلوی توجه ننشاند داد، خانیان تهرانی در خدمت این سازمان قرارگرفت و با موافقت سرهنگ محمداصداری معاون ساواک به خارج از کشور اعزام شد وی در جریان فعالیت در کنفدراسیون با یک کشش امریکایی آشنا گردید و توسط این فرد برای سازمان «سه» عضوگیری شد. مهدی خانیان تهرانی سپس با سازمان چریکهای فدایی خلق سازمان مجاهدین خلق رابطه برقرار کرد و از ابتدای بیروزی انقلاب اسلامی در برابر آن موضع گرفت و ازهمان ابتدا مخالفت گسترده ای را و لایوت فقیه ابراز کرد زمانی که مسعود رجوی شورای ای اصلاح مقاومت را ایجاد کرد، خانیان تهرانی به این شورا پیوست و پس از جداساختن هواداران مجاهدین از نظام وایجاب مأموریت خود از اولین کسانی بود که از سازمان مجاهدین جدا گردید او یکی از فعالان ششست کنفرانس رسوای برین در سال ۱۳۷۸ بود. در این کنفرانس افرادی نظیر مهرنگیزکار، یوسفی اشکوری عزت الله سعابی، اکبرنجی و... در کنار برخی دیگر شرکت داشتند.
۶- خرم، مسعود، هویت، باب سوم، مهر ۱۳۷۶، ص ۱۹.

پاورقی



بررسی کارنامه محمدحسین میمندی نژاد نویسنده: فاطمه فرد

مجله رنگین کمان نو شماره ۵۰۸ مورخ ۲۵/۲/۵۱۲ تحت عنوان «قانون اساسی « گفتگوی مدیر نشریه را با شخصی پیرامون چگونگی تحریم جشن و چراغی در روزهای عید میبعث و یازدهم ششمان سال جاری، درج که قسمت‌هایی از آن به شرح زیر است:

گفت: سال گذشته به سبب کمبود برق چراغانی نشد، اسمال دیگر چرا؟ دوستان گفت: برعکس اسمال دولت اول کرد برق قراهنی است، اسما اعلامیهای می مردم بخش کردند که به سبب عزائی که داریم جشن و چراغی موقوفـ فعادی هم تبعیت کردندـ

گفتم: این دیگر از آن حرف‌ها است، روز عید میبعث یا عید فطر برای تمام مسلمان جهان عید است،در این روز از هفتصد میلیون مردم اگر س متوسط پنجاه سال به حساب آید به طور متوسط سسی هزار نفر می‌میرد و حداقل اقوام و کسان خود را که از صدهزار نفر متجاوز می‌کنند برای خاطر این صد هزار نفر عزادار شیده نشده است جشن مسلمان به عزا میل شود، در این‌جا برای عزای چه کسی چنین دستوری داده شده است؟

یکی از دوستان گفت:توبودی‌نمیاد هم بودی در قم افتشاش‌هایی شد، مردم را علیه دولت تحریک کردند، در شکستند، شیشه شکستند، آتش زدند، عدهای را مجروح کردند، یکی از شورشیان به خانه یکی از بزرگان دین پناه برده بود، رفتند و را بیرون بیاروند مسلح بود، مأمورین برای این که وظیفه خود را انجام دهند متقلبه به مثل کردند، نعشی بر ما ماند،بوسیلیهای برای حمله به دولت پیدا شد، عزاداری را افتاد.

گفتم: سیاست بی‌بدر و مادر مذهب را یک می‌کنند، عمل سیاست بیگانه بر اساس استعمار و استعمار نو، تازه از این بازی‌ها فراوان دارد.

یکی از دوستان گفت: مگر در مملکت قوانینی نیست که از این خرابکاری‌ها جلوگیری کند.

گفتم: چطور نیست در موقعی که رضاشاه کبیر زمام امور مملکت را در دست گرفت با اینکه قانون اساسی و منم اساسی داشتیم، دستور داد برابر کشورهای مترقی و پیشرفته درباره این قبیل جرهما قانونی وضع شودـ هنوز هم آن قانون به قوه خود باقی است و بر مبنای آن به این قبیل جرایم باید رسیدگی شودـ

یکی از دوستان حاضر گفت: با وجود چنین قانونی تکلیف کسانی که بازی‌های باختند را از آنها انداختند و مجامعهایی که بعضی‌ها در خارج و داخل کردند و مهملائی کردند، خلاف قانون اساسی و منم آن رفتار کردند چه می‌شود؟

دیگری گفت:این سوآلی است که باید از دولت کردـ مجری قوانین در مملکت دولت است، باید دید چرا دولت معاشات کرده است؟ و چرا معاشات می‌کند؟

گفتم: حساب از این حرف‌ها بالاتر است، هر وقت اجابت خواهندداد تا ما در گفتند، بی‌روصدا به شایعه‌سازی و شایعه‌پرازی و انتشار آن‌ها پرداختهاندـ

چند سال قبل که از کتاب قاضی مطالب مربوط به روز پانزدهم شعیان را انتشار دادم،یکی از این‌الله‌ها بزرگوار که بسیار دانا و فهیمنده است، سرفرازم فرمود و گفت:

این مطالب را برای چه نقل کردید؟

گفتم: مگر آن نوشته پایه و مایه معتقدات شیعیان نیست؟ این مطلب مردم عادی که به این قبیل مطالب دسترسی ندارند، حرف‌هایی شنیده‌اند و باور دارند و منتصب هم هستند، عدهای هم از این راه زندگی می‌کنند، تصور هم این است که خلدوند بزرگ چنین خواسته است، چراچه او خواسته است انجام شده و انجام می‌شود، به این جهت چه لزومی دارد شما در مجله خود این مطالب را بنویسید

کیمیا

باز خوانی دیدگاه‌های مارحوم حسن شایانفر در باره نفوذ فرهنگی

التقاط دینی و تلاش معاندان

رساله‌های امپریالیسم جهانی با تردستی فوق العاده ای نام عبدالکریم سروش را به عنوان یک متفکر معترض که ظاهراً در جهت انسانی جهت چهره نظام اسلامی تلاش می کند، مطرح ساخته، اما در حقیقت از او به عنوان یک «میانچی» در جهت مسخ هویت و ارزشهای اسلامی بهره برداری می کنند و می کوشند تا از این رهگذر به اهداف شوم خود نایل آیند. شکی نیست که جریان جهانی سلطه برای دستیابی به این اهداف از هیچ تلاشی رو گردان نیست واز هرگونه سرمایه گذاری مالی و تبلیغاتی که لازم بداند، دریغ نخواهد کرد. چندی پیش «شورای روابط خارجی امریکا» با کمک «بنیاد فورد»^(۱) کتابی را انتشار داده است که موضوع آن مشخصاً ازپه نظرات عبدالکریم سروش در زمینه تجدیدنظر در ایدئولوژی دینی وپایه های حکومت مذهبی است. در کتاب منتشر شده از سوی این شورای رسمی که وظیفه تعیین مسیر سیاست خارجی دولت امریکا در راستای منافع این کشور را از طریق مطالعات و تحقیقات بین المللی برعهده دارد، با اشاره به تعرضات سروش نسبت به اصل قانونی «ولایت فقیه» از وی و امثال او به عنوان جزئی ازیک حرکت برای قطعه قطعه کردن اقتدار مذهبی نام برده شده و چنین آمده است: «این نظریه سرووش که ایدئولوژی به تحریف ارزش‌های مذهبی منتهی می شود، ساختار حاکم برایران را زیرسؤال برده است.»

این کتاب که «فکرا سیاسی عبدالکریم سروش» نام دارد، از محل بودجه

» این کتاب که «فکرا سیاسی عبدالکریم سروش» نام دارد، از محل بودجه شش میلیون دلاری اداره مطالعات «شورای روابط خارجی امریکا» و برای استفاده راهبردی در تصمیم گیری های سیاست خارجی این کشور چاپ ومنتشر شده است.

شش میلیون دلاری اداره مطالعات «شورای روابط خارجی امریکا» برای استفاده راهبردی درتصمیم گیری های سیاست خارجی این کشور چاپ ومنتشر شده است.^(۲)

بدین ترتیب، طرح ایجاد یک جریان رفرمیسم دینی، با استقبال بخشی از عناصرشکست خورده سیاسی در سالهای ۱۳۶۰ که به خارج کشور فرار انده و برخی روشنفکران در داخل کشور مواجه می شود، مهم ترین اقدام در جهت رفرم دینی، ترویج تژ «اسلام منهای سیاست و روحانیت» است. ترویج تفکر رفرمیسم و تجددطلبی در برخی نشریات داخلی، نمود بسطیر محسوس یافت، به طوری که ماهنامه «کیان» عملداری این تفکر در داخل کشور را برعهده گرفته وبه اشاعه آن پرداخت. نشریه انگلیسی زبان «کونومیست» چاپ خارج از کشور نیز به کارگزاران نظام سلطه جهانی پیشنهاد کرد تا علاوه بر تلاش برای ایجاد اختلاف و تفرقه میان علما و روحانیون، روشنفکران و تجددطلبان اسلامی را تشویق کنند تا با بازنگری و

رفرم در اندیشه های اصولی اسلام، سلاح دشمن شکار اجتهاد را از انحصار علما و مجتهدین خارج نمایند.

نشریه انگلیسی زبان «کونومیست» در همگرایی با عناصر ضدانقلاب، بر لزوم حرکت تدریجی تجددطلبان برای از بین بردن قدرت علما و روحانیون تأکید کرده و می نویسد:

«تحقق چنین امری لزوم لازم دارد. زیرا هیچ تحولی یک شبه به وجود نیامده است. اما باید توجه داشت که هم اکنون نیز تعدادی از روشنفکران مسلمان و آینده نگر شروع به تجدید نظر در تفکرات اسلامی کرده اند.»^(۳)

«التقاط دینی و تلاش معاندان

«التقاط دینی» اصولاً حاصل تلاش جمعی از شبه روشنفکران برای ایجاد رفرم در مبانی و معیارهای دینی است برخی عناصر جریان رفرمیسم دینی در اوضاع و احوال فعلی با طرح افکاری خاص و بیچیده در لایه های اهایم و تناقض، تلاشهایی خودآگاه یا ناخودآگاه به عمل می آورند که در تحلیل

نهایی با ایجاد شبهه در معرفت دین، پایه های اعتقادی نسل جوان را سست کنند. این جریانی است که روش حرکت تدریجی را برای تحقق اهداف خود برگزیده است. در این روند، حمله به فقه به عنوان اولین مرحله استراتژی استحاله در اسلام، همواره مورد نظر عناصر تجدیدی نظر طلب قرار داشته است. به بخشی از مطالب مندرج در مجله «کیان» که در این زمینه توجه کنید:

«... سیستم اجتهاد و تقلید باید به نظام حزبی نزدیک شود و هر حزبی که رأی بیشتر آورد مرجع تقلید خود را به عنوان نماینده حاکمیت تثبیت خواهد کرد... .»^(۴)

«یکی از روشنفکران عضو کنفدراسیون و یکی از طرفداران بنی صدر و عضوسابق «شورای ملی مقاومت» منافقین هم می گوید: «ما در حوزه فرهنگ اسلامی زندگی می کنیم. ولی این به این معنی نیست که حکومت از مذهب باشد. یکی از خواسته های ما ایجاد جریان فرهنگی نوین و مبتنی بر گسترش فرهنگ سیاسی و دموکراتیک است.»^(۵)

۱- برای شناختن نقش بنیادهای فرهنگی در امریکا، رجوع کنید به کتاب «بنیانهای فرهنگی امریکا»، مورخ: ۱۳۷۶.
۲- روزنامه کنترول فرهنگ، نشریه روزانه کیهان، مورخ: ۱۳۷۶/۱۲/۱۳.
۳- نشریه اکونومیست، اوت ۱۹۹۴،په نقل از هویت، مسعود خرم، ص ۴۴
۴- مجله کیان، شماره ۲۰، مورخه تیرمرداد ۱۳۷۲.
۵- مهدی خانیان تهرانی از رهبران کنفدراسیون دانشجوین ایرانی و دشمنار افرادی است که از ابتدای تاسیس این کنفدراسیون تا هنگام فروپاشی آن با این تشکیلات همکاری داشته است و در ابتدای جوانی به حزب توده پیوست. اما در اولین یازدهمت از خود نشان داد و با نوشتن نامهنامه آزاد شد. در اواسط دهه ۱۳۲۰ زمانی که ساواک به فعالیت های پرون مرزی معاندان رژیم پهلوی توجه ننشاند داد، خانیان تهرانی در خدمت این سازمان قرارگرفت و با موافقت سرهنگ محمداصداری معاون ساواک به خارج از کشور اعزام شد وی در جریان فعالیت در کنفدراسیون با یک کشش امریکایی آشنا گردید و توسط این فرد برای سازمان «سه» عضوگیری شد. مهدی خانیان تهرانی سپس با سازمان چریکهای فدایی خلق سازمان مجاهدین خلق رابطه برقرار کرد و از ابتدای بیروزی انقلاب اسلامی در برابر آن موضع گرفت و ازهمان ابتدا مخالفت گسترده ای را و لایوت فقیه ابراز کرد زمانی که مسعود رجوی شورای ای اصلاح مقاومت را ایجاد کرد، خانیان تهرانی به این شورا پیوست و پس از جداساختن هواداران مجاهدین از نظام وایجاب مأموریت خود از اولین کسانی بود که از سازمان مجاهدین جدا گردید او یکی از فعالان ششست کنفرانس رسوای برین در سال ۱۳۷۸ بود. در این کنفرانس افرادی نظیر مهرنگیزکار، یوسفی اشکوری عزت الله سعابی، اکبرنجی و... در کنار برخی دیگر شرکت داشتند.
۶- خرم، مسعود، هویت، باب سوم، مهر ۱۳۷۶، ص ۱۹.

هدف تحریم‌های فعلی نیز محروم ساختن دولت ایران از درآمدهای نفتی و واداشتن آن به تسلیم در قضایه برنامه هسته‌ای است.

درآمد‌های نفتی و ترغفند نرخ مبادله، تنگنای مالی ایران را تکمیل کرد و در نتیجه درست در زمان جنگ و قحطی، دست دولت از منابع مالی کاملا خالی شد و نتوانست اقدام موثری برای کمک به قربانیان بکند. دولت انگلیس، در حالی که ایران را از منابع مالی‌اش کاملا محروم ساخته، با صدای بلند از ناتوانی دولت ایران از کمک رساندن به آسیب‌دیدگان قحطی شکایت می‌کند. باز باید تاکید کرد که محروم ساختن ایران از منابع مالی بخشی از سیاست انگلیسی‌ها برای محروم ساختن ایران از ارزاق بود. تردیدی نیست که انگلیسی‌ها قحطی و قتل‌عام را به عنوان یک اقدام عامدانه جنگی برای تسلط بر ایران به‌کار گرفته بودند.

فصل هفتم نگاشته‌ای دارد به غارت و چپاول سربازان روس به هنگام خروج از ایران در تابستان ۱۹۱۷. روزنامه‌های ایران، به درستی، به این دست چپاول‌ها در این دوره بسیار پرداخته‌اند. اما باید یادآور شد که تجاوزات روس‌ها زمانی رخ داد که قحطی پیش از آن کار خود را آغاز کرده بود. این فصل همچنین توضیح می‌دهد که چگونه انگلیس از همان ابتدا تلاش کرد روس‌ها و ترک‌ها و بیش از همه خود ایرانیان را به واسطه احتکار و سودجویی ملاکان خرید و فروش کنید. پیغمبر اکرم(ص) پس از ده سال از مهاجرتش به اصحاب دستور می‌دهد که در سفر مشروب و در طرف قولاوا لا اله الا الله تفلحوا و...» درک سخنان امام موسی احمدالله شش‌شنبه هسته‌ای با این کارم (مشروب‌فروشی‌ها) به خاطر ارتزاق و تأمین معاش خانواده است و درستی و صحت سخنان بنا نداشتند در کنفرانس صلح به موضوع ایران رسیدگی کنند. با نگاشته‌ی روش‌نویس است که این کار نیز بخشی از اقدامات اولیه طراحی شده برای لاپوشانی و مخفی کردن هولوکاست ایران بود. هیئت ایرانی که نتوانسته بود به کنفرانس راه یابد، در مارس ۱۹۱۹ سندی ارائه کرد که ظاهرا حاوی شکایات و درخواست‌های ایران برای دریافت غرامت بود.

فصل هشتم به ناکامی ایران در شرکت در کنفرانس ورسای و توضیحات مربوط به سندن یاد شده می‌پردازد. تاریخ نظامی و سیاسی ایران در جنگ جهانی اول کاملا نادرس‌ت ارائه شده است. این سند، علاوه بر دعای خنده‌دار ارضی، آکنده از عبارات نادرس‌ت،

صفحه ۶

چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۵

۱۰ جمادی الاول ۱۴۳۸ – شماره ۲۱۵۵۷

به عنوان یک بیماری که در طول تاریخ بهود با آن مواجه بوده‌اند. این بیماری در فرازی از فیلم به کفناث روی کفش یهودیان تشبیه شده است که در عین پاک کردن، دوباره به آن می‌چسبند. چنانکه لیبشتات در ۳ آوریل ۱۹۹۶ در واشینگتن‌پست به این صورت بر آن تصریح می‌کند که: «در کتاب مقدس ما گفته شده است که در هر نسلی کسی پیدا می‌شود که می‌خواهد ما را از میان ببرد.»^۵

روبر فوربسون:

برای اثبات هولوکاست حتی یک مدرک هم نیافتیم

» فوریسون: سال‌ها، اما بهیچ‌ه به دنبال فقط یک بازمانده از تبعیدیان جنگ بودم که به چشم خود اتاق‌های گاز را دیده باشد حتی به یک مدرک راضی بودم. اما همین یک مدرک را هم نیافتیم.

این گفتار مطلع مقاله‌ای بود که در ادامه آن دیوید ایروینگ به شرح ذیل متهم شده بود:

او می‌کوشد تا تاریخ و خاطرات ما را خراب کند خاطرات کسانی که تحت حکومت دستم‌ران کشته شده‌اند آنها می‌گویند که اعتبار و آبرو به آنها ربطی ندارد و آنها فقط کتاب را منتشر می‌کنند.^۶

«این مطلب را لیبشتات پس از مذاکره با انتشارات سنتن مارتینز برای جلوگیری از انتشار کتاب ایروینگ با نام گوبلر: مغز متفکر رایش سوم ابراز داشته است و هدف او از این امر فشار آوردن بر این ناشر برای جلوگیری از انتشار این کتاب بوده است. ایروینگ قبلاً پس از انصراف انتشارات سنتن مارتینز از انتشار کتاب او تصمیم گرفت علیه «لیبشتات شکایت کند.» «بنابر گفته ایروینگ فشار گروه‌ها و سازمان‌های یهودی علیه او پیش از جلوگیری از انتشار کتاب او بوده است. این گروه‌های یهودی باعث شده‌اند که ایروینگ از مسافرت به برخی کشورها ممنوع شود و سخن گفتن و مباحثه‌ها با او قطع و ممنوع شد است و ناشران نیز مجبور به قطع قرارداد همکاری با او شده‌اند و حق تهدیدات فیزیکی هم علیه او صورت گرفته است.»^۷
تلبلیغات و خصومت‌های دنباله‌ناری که تاکنون یک دامنه دارد و این فیلم بخشی از آن است. و در آخرین مورد هم محکومیت طی یک محاکمه با مجازات ۳ سال زین پسان از یک تعقیب طولانی قضایی بود که تحمل کرد. محکومیت‌ها نطفه خفه می‌شود. و بر ما است تا با اطلاع از حقیقت ماجرا نسبت به احیای آن از بد گفته بودن مک دونالد متفکر امریکایی حامی ایروینگ در داگاه که نگذاشتند حرفش بزنند.

سرکوب ایروینگ بخشی از این الگوست که مطابق آن برخی سازمان‌های فعال یهودی تلاش می‌کنند از انتشار مک‌توبات معترض با تصورات ساخته شده آنها از واقعیات و با حاوی نقد اسرائیل، جلوگیری کنند.^۸

نتیجه: ارتش صهیونیستی هالیوود برای اولین بار با آخرین باری نیست که چنین اثری را تولید و بخش می‌کند. آثار بسیار زیادی چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم موضوع هولوکاست را به روز فقه ۲۵ سال خراب مطرح کرده‌اند و ضرب القای این مفهوم در سایر آثار هنری آن‌قدر بالاتر که عمدتاً افکار عمومی دنیا، اجازه تردید به خود در با وقف آن نمی‌دهد و اندک سؤال و با تردیدی در نطفه خفه می‌شود. و بر ما است تا با اطلاع از حقیقت ماجرا نسبت به احیای آن از هر وسیله‌ای استفاده نماییم.

۱- «اتاق‌های گاز: در جنگ جهانی دوم؛ واقعیت یا افسانه؟» روبر فوربسون ترجمه سیدابوالقادر میمندی، نشر موسسه سیه‌اندیشه، تهران ۱۳۸۱، ص ۱۲۸.

۲- همان، ص ۶۶
۳- همان، ص ۶۷-۶۶
۴- همان، ص ۶۷
۵- همان، ص ۶۷
۶- مک دونالد، بیمنش، ص ۲۵۸
۷- همان.
۸- همان.

۹- همان.
Frederick Tobin – ۱۰

نگاهی مستند به بزرگ‌ترین جنایت جنگی انگلستان در ایران – ۵

قحطی و قتل عام اقدام عامدانه انگلیس برای تسلط بر ایران

فصل دوم

بریتانیا و روسیه که قدرت‌های پادشاهی رقیب در شمال و جنوب ایران بودند و برای کنترل ایران با هم رقابت می‌کردند، پیش از جنگ جهانی اول در واکنش به قدرت فزاینده آلمان، تصمیم گرفتند بسیاری از اختلافات خود را حل و فصل کنند و به طور مشخص، رقابت بر سر این کشور را پایان دهند. با انعقاد قرارداد ۱۳ اوت ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه، ایران عملاً به دو «حوزه نفوذ» و یک منطقه «بی‌طرف» تقسیم شد. بخش شمالی کشور درحوزه روسیه و بخش جنوب شرق در حوزه انگلیسی‌ها قرار گرفت و بقیه خاک کشور منطقه «بی‌طرف» اعلام شد. جوهر این قرارداد هنوز خشک نشده بود که در خوش‌اقبالی انگلیسی‌ها با کشت نفت در ۱۹۰۸ در بخش «بی‌طرف» جنوب غرب ایران، قرارداد از اعتبار ساقط شد. تردیدی نیست که قرارداد اوت ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه نیز واکنشی به آغاز انقلاب مشروطه ایران در ۱۹۰۶ و تقویض قانون اساسی توسط مظفرالدین شاه قاجار در ژانویه ۱۹۰۷ بود. در قانون اساسی جدید، شاه نقشی تشریفاتی می‌یافت و قدرت در اختیار مجلس منتخب قرار می‌گرفت. دو قدرت به درستی دریافتند نظام در حال ظهور مشروطه سلطنتی و مجلس منتخب تهدیدی برای کنترل آنها بر کشور است و آن را مخدوش می‌کنند. در این سیاست تئیم، دو قدرت پادشاهی یک هم‌دست غافل در شخص محمدعلی شاه قاجار، فرد و جانشین مظفرالدین شاه یافتند. آغاز جنگ داخلی در ۱۹۰۸ به دو قدرت فرصت و بهانه‌ای داد تا ساقط شد. تردیدی نیست که قرارداد اوت ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه نیز واکنشی به آغاز انقلاب مشروطه ایران در ۱۹۰۶ و تقویض قانون اساسی توسط مظفرالدین شاه قاجار در ژانویه ۱۹۰۷ بود. در قانون اساسی جدید، شاه نقشی تشریفاتی می‌یافت و قدرت در اختیار مجلس منتخب قرار می‌گرفت. دو قدرت به درستی دریافتند نظام در حال ظهور مشروطه سلطنتی و مجلس منتخب تهدیدی برای کنترل آنها بر کشور است و آن را مخدوش می‌کنند. در این سیاست تئیم، دو قدرت پادشاهی یک هم‌دست غافل در شخص محمدعلی شاه قاجار، فرد و جانشین مظفرالدین شاه یافتند. آغاز جنگ داخلی در ۱۹۰۸ به دو قدرت فرصت و بهانه‌ای داد تا

» ترکیب محرومیت مالی از درآمدهای نفتی و ترغفند نرخ مبادله، تنگنای مالی ایران را تکمیل کرد و در نتیجه درست در زمان جنگ و قحطی، دست دولت از منابع مالی کاملا خالی شد و نتوانست اقدام موثری برای کمک به قربانیان بکند.

فصله در امور ایران دخالت کنند و روسیه، تبریز، دومین شهر ایران، را اشغال کرد. علیرغم برخی مشکلات داخلی، انقلابیون پیروز شدند و تهران را در ژوئیه ۱۹۰۹ کنترل کردند و به خودمصلی شاه، پسر ۱۲ ساله‌اش، احمدشاه را نشاندد و مجلس را دوباره برقرار کردند. حکومت مشروطه جدید، با تثبیت موضع خود، به آمریکا به عنوان قدرتی توان‌ساز در برابر روسیه و بریتانیا می‌نگرست. استخدام دیپلو، مورگان شوستر نیویورکی به عنوان خزانه‌دار کل ایران و ورود او به تهران در ۱۹۱۱ نشان دهنده شوق صادقانه ایران برای سامان دادن به خود با کمک آمریکا بود. شوستر با عزم جزم اصلاح مالیه ایران را شروع کرد و در مدت بسیار کوتاهی اعتماد ایرانیان را به خود جلب کرد. روسیه و بریتانیا که به موفقیت او و چشم‌انداز نفوذ جدی آمریکا در ایران، به شدت هراسان شده بودند، مقدمات بکنار شوستر را فراهم کردند. روس‌ها با توسل به بهانه‌ای واهی در دسامبر ۱۹۱۱، به دولت ایران برای عزل فوری شوستر و انحلال مجلس اوتلیاتیوم دادند. انگلستان از آن که نقشش در اوتلیاتیوم نداشت، فاصله از خواسته‌های روسیه حمایت کرد. در همان زمان روس‌ها نیروهای بیشتری به آذربایجان منتقل و انگلیسی‌ها بندر بوشر را در جنوب اشغال کرده بودند. ایرانیان مجبور شدند به خواسته‌های انگلیس و روسیه نر دهند. مجلس به اجبار منحل شد و شوستر ایران را در ۱۹۱۲ ترک گفت. وجه افتخارانه نیویورکی در خاورمیانه که در دولت ایالات متحده به عزل شوستر است؛ زیرا رئیس جمهور ایالات متحده او را برای این سمت در ایران توصیه کرده بود. روشن است که دولت ایالات متحده تلاش جدی داشته است از بروز تنش با بریتانیا و روسیه پرهیز کند و علاقه‌ای به دخالت در امور ایران نداشته است.



تصویری از فیلم انکار

در مرکز اطلاع‌رسانی معاصر یهود در پاریس، آرشیهوا، دست‌نویس‌ها، عکس‌ها و شهادت کتبی و هزاران سند دیگر را مطالعه کردم. برای یافتن پاسخ، بی‌وقفه از متخصصین و تاریخ‌دانان پرسش کردم. سال‌ها، اما بهیچ‌ه به دنبال فقط یک بازمانده از تبعیدیان جنگ بودم که به چشم خود اتاق‌های گاز را دیده باشد. به ویژه به کثرت مدارک ادعایی در این مورد وقتی نمی‌گذاشتیم حتی به یک مدرک فقط یک مدرک راضی بودم. اما همین یک مدرک را هم نیافتیم. در مقابل آنچه یافتیم، تعداد بی‌شماری مدارک مجعول شایسته محاکمه جادوگران و مایه فرسمازی برای قضاتی است که آنها را پذیرفته‌اند. پس از آن با سکوت، مزاحمت، دشمنی و بالاخره افترا، توهمین و ضرب و جرح مواجه شدم.^۶

فوریسون در جای دیگر بیان می‌دارد که «در نظر مدافعان نظام حاکم، عامه مردم نباید در این باره فکر یا سؤال‌هایی برای خود مطرح کنند. به نظر آنها، باید کسانی را که خواهان بحث آزاد هستند خاموش کرد. بالاتر از آن، این مسئله نباید مطرح شود که آیا اتاق‌های گاز وجود داشته است یا خیر. پس سؤالی مطرح نمی‌شود.»^۷ «پس این بدترین جرم را مرتکب شدم‌م جرم بیان آزرانه عقاید و دست زدن به یک تابلو. آنها این موضوع را به من فهماندند و از همه طرف مورد حمله قرار گرفتیم. زندگی‌ام از هم پاشید، زندگی شخصی، شغلی و حتی خانوادگی. اما اولین کسی نیستم که چنین مصیبت‌هایی را می‌بیند. برای نفی وجود اتاق‌های گاز فقط شجاعت کافی نیست. بلکه باید روحیه قهرمانی داشت.»^۸

فوریسون حتی خود را متعهد به آگاه‌سازی یهودیان جوان نیز می‌داند و نوعی توهامت مذهبی‌هی فرو می‌روند که نسل‌های جوان یهودی، اولین قربانیان آن هستند زیرا بسیاری در میان آنان ادعای مزبور را به طور حتمی باور کرده‌اند. نمی‌خواهم آنها را تخفئه کنم. با توجه به این که خود من مدت‌ها فریب خورده بودم و یازده سال به واقعیت اتاق‌های گاز مثل خورشید نیمروز اعتقاد داشتم.^۹ فوریسون با توجه به تمام ناگواری‌های ناشی از حق‌گویي در تحقیق همچون سایر متکرین هولوکاست خط مشی خود در آینده را نیز چنین ترسیم می‌کند: «در مقابل کسانی که شیوه سرکوب پیش گرفته‌اند، اغماض نخواهم کرد و با تمام نیرو از حقیقت دفاع می‌کنم. هر اندازه که برایم گران تمام شود»^{۱۰}

ایسین صراحتاً در بیان ایروینگ در انتهای فیلم هم بود که دستت از انکار هولوکاست بر نخواهد داشت و به یک معنا بیان نهایی فیلم هم بود که با محکومیت او در داگاه دانسان انکار هولوکاست به پایان نخواهد رسید و این عده کماکان بر اصول خود مقابل یهود خواهند ایستاد. با این تفاوت نگاه که صهیونیسم اصرار دارد که بدیده یهودتسترزی را در عمق وجود غیریهودیان نهانبدن تصور کند. آن هدف تحریم‌های فعلی نیز محروم ساختن دولت ایران از درآمدهای نفتی و واداشتن آن به تسلیم در قضایه برنامه هسته‌ای است. در اثر محرومیت ماه هشتاد درصد ارزش خود را از دست داد و پیشش از آن کمبود کالاهای اساسی چون ارزاق و دارو نیز گزارش شده است. تردید نمی‌توان کرد که شیعه‌ای از ایرانیان بی‌گناه، به ویژه آسیب‌پذیرترین آنها، قربانی گرسنگی و بیماری می‌شوند.

» تردیدی نیست که انگلیسی‌ها قحطی و قتل‌عام را به عنوان یک اقدام عامدانه جنگی برای تسلط بر ایران به‌کار گرفته بودند.

درآمد‌های نفتی و ترغفند نرخ مبادله، تنگنای مالی ایران را تکمیل کرد و در نتیجه درست در زمان جنگ و قحطی، دست دولت از منابع مالی کاملا خالی شد و نتوانست اقدام موثری برای کمک به قربانیان بکند. دولت انگلیس، در حالی که ایران را از منابع مالی‌اش کاملا محروم ساخته، با صدای بلند از ناتوانی دولت ایران از کمک رساندن به آسیب‌دیدگان قحطی شکایت می‌کند. باز باید تاکید کرد که محروم ساختن ایران از منابع مالی بخشی از سیاست انگلیسی‌ها برای محروم ساختن ایران از ارزاق بود. تردیدی نیست که انگلیسی‌ها قحطی و قتل‌عام را به عنوان یک اقدام عامدانه جنگی برای تسلط بر ایران به‌کار گرفته بودند.

فصل هفتم نگاشته‌ای دارد به غارت و چپاول سربازان روس به هنگام خروج از ایران در تابستان ۱۹۱۷. روزنامه‌های ایران، به درستی، به این دست چپاول‌ها در این دوره بسیار پرداخته‌اند. اما باید یادآور شد که تجاوزات روس‌ها زمانی رخ داد که قحطی پیش از آن کار خود را آغاز کرده بود. این فصل همچنین توضیح می‌دهد که چگونه انگلیس از همان ابتدا تلاش کرد روس‌ها و ترک‌ها و بیش از همه خود ایرانیان را به واسطه احتکار و سودجویی ملاکان خرید و فروش کنید. پیغمبر اکرم(ص) پس از ده سال از مهاجرتش به اصحاب دستور می‌دهد که در سفر مشروب و در طرف قولاوا لا اله الا الله تفلحوا و...» درک سخنان امام موسی احمدالله شش‌شنبه هسته‌ای با این کارم (مشروب‌فروشی‌ها) به خاطر ارتزاق و تأمین معاش خانواده است و درستی و صحت سخنان بنا نداشتند در کنفرانس صلح به موضوع ایران رسیدگی کنند. با نگاشته‌ی روش‌نویس است که این کار نیز بخشی از اقدامات اولیه طراحی شده برای لاپوشانی و مخفی کردن هولوکاست ایران بود. هیئت ایرانی که نتوانسته بود به کنفرانس راه یابد، در مارس ۱۹۱۹ سندی ارائه کرد که ظاهرا حاوی شکایات و درخواست‌های ایران برای دریافت غرامت بود.

فصل هشتم به ناکامی ایران در شرکت در کنفرانس ورسای و توضیحات مربوط به سندن یاد شده می‌پردازد. تاریخ نظامی و سیاسی ایران در جنگ جهانی اول کاملا نادرس‌ت ارائه شده است. این سند، علاوه بر دعای خنده‌دار ارضی، آکنده از عبارات نادرس‌ت،